

بازگشت نامیمون جنگ سالاران افغانی

نامحتمل است ارادل و اوباشان آدمکشی که حکومت کرزی از آنها دلربایی می کند بتوانند صلح را به افغانستان برگردانند^۲



دولستانی حکومت کرزی و پشتیبانان غربی آن از پاده جنگ سالاران و جانیان جنگی نشانه آنست که تا چه اندازه منجلاب افغانستان آنان را درمانده ساخته و کوره راه صلح و ثبات درین کشور تا چه حد پرمخاطره است.

ستراتیژی جدید آشتی با جنگجویان که رئیس جمهور کرزی طبل آنرا از فراز بام سیاست خود می نوازد گواه معامله گری حکومت کرزی درست با همان ناکسان و سفلیگانی است که افغانستان را در طی سی سال جنگ پاره پاره کردند و از هم دریدند.

بدنام ترین اینان گلبدین حکمتیار فرمانده کارکننده جهادی متهم به دهشت افگنی، جنایات جنگی و حمایت از اسامه بن لادن می باشد که ماه گذشته شاخ زیتونی بطرف کرزی و غرب دراز کرد و ادعا نمود که با طالبان همپیمان نیست و بیرون رفتن نیرو های خارجی را می خواهد. حکمتیار با پیشکش هایی که طبق گزارشات شامل وزارتخانه ها و مقام های ولایت برای اعضای حزب اسلامی اش در یک حکومت آینده افغانستان می باشد به بزم فراخوانده شده است. نشریه «وال ستریت جورنال»^۳ می نویسد که چشمک زدن بسوی حکمتیار «می تواند امید بخش ترین راه بسوی صلح باشد.» اگر چنین است راهی خواهد بود پر از سنگلاخ. در طی سه دهه گذشته حکمتیار به مثابه بیرحم ترین، خونخوارترین، فاسدترین و خودخواه ترین همه فرماندهان افغانی شهرت بهم رسانده است. وی حتی از طالبان منفورتر است و تصور اینکه پوست گاوی به حکمتیار در حکومت کشور داده شود برای شمار زیادی از افغانان بمثابة راه دادن ابلیس به حرم است. اما واقعیت تلخ اینست که به گفته عبدالجبار عضو پارلمان افغانستان که به واشنگتن پوست اظهار داشته است، «اگر ما حکمتیار را از مذاکرات صلح حذف کنیم صلحی در افغانستان بدست نخواهد آمد.»

^۱ The Australian پرنیواژترین جریده استرلیا که هفته دویار به نشر می رسد - برگرداننده

^۲ کاریکاتورها از سایر منابع گرفته شده و به ترجمه هذا ضم شده اند - برگرداننده

^۳ پر نیواژترین روزنامه امریکا - برگرداننده

اهریمنانی که کابل و واشنگتن باید اکنون با آنها وارد معامله شوند بیشتر دست پرورده خود امریکا در تبنانی با متحد دیرینه اش پاکستان می باشند. در طی سالهای جهاد مورد حمایت ایالات متحده برضد شورویان در افغانستان حکمتیار در رأس یکی از هفت تنظیم مجاهدین قرار داشت که سی آی ای با دریا دلی بپای شان پول می ریخت. طبق محاسبه پیتر برگن روزنامه نگار و نویسنده امریکایی که صاحب نظر در مسایل جنبش جهادی افغانستان است تخمین خیلی محتاطانه پولی که سی آی ای از مجرای آی اس آی پاکستان به جیب حزب اسلامی حکمتیار سرازیر نموده است بالغ به ۶۰۰ میلیون دالر می گردد.

نازبرداران حکمتیار بر نظریات زهر آگین ضد امریکایی او که در آنزمان در زیر سایه نفرت شدیدترش در برابر روس ها قرار داشت چشم می پوشیدند. حکمتیار که اسلامیت افراط گراست نورچشم دستگاه اسلامیت پرور آی اس آی بود و بر اساس گفته برگن، سی آی ای او را ایجنٹ پاکستان می دانست. وی مدت ها قبل در سالهای ۱۹۷۰ با قتل یک رهبر رقیب دانشجویان در دانشگاه کابل^۴ در دنیای جنایت و تبهکاری صاحب اسم و رسمی شده بود و در سالهای ۱۹۸۰ بدنامی اش از جانب سازمان ایشیا واچ (دیده بان آسیا) و وزارت خارجه ایالات متحده امریکا بخاطر تعدی بر حقوق بشر و کشتار دسته جمعی سربازان دشمن، افراد ملکی، کارکنان امداد رسانی و روزنامه نگاران محرز گردیده بود. فعالین حقوق بشر افغانی خواستار محاکمه او بخاطر جنایات جنگی در دادگاه بین المللی عدالت می باشند.

پس از شکست شوروی ها در اوایل دهه ۱۹۹۰ حکمتیار بیش از هر بازیگر دیگر صحنه در راه تلاش برای ایجاد یک حکومت مبتنی بر تقسیم قدرت میان مجاهدین خرابکاری و کارشکنی کرد. وی با اعلام جنگ علیه رقبایش در کابل کشور را به گودال جنگ و تباهی کشاند و حتی پس از آنکه صدراعظم کشور نامیده شد نیروهایش پایتخت کشور را بیرحمانه زیر ضربات توپخانه و بمباران راکت قرار دادند و با هدف گیری عمدی تأسیسات ملکی نیمه شهر را با ۵۰۰۰۰ باشنده آن بکام نیستی و بربادی کشاندند. حکمتیار یکبار دیگر برای مدت کوتاهی در سال ۱۹۹۶ طی تلاش مذبحوحانه یی برای ایجاد یک جبهه متحد مجاهدین بحیث نخست وزیر کشور تعیین گردید. اما تا این زمان دیگر اربابان پاکستانی اش چشم عنایت خود را بسوی نیروی منضبط تر طالبان که به سرعت قدرت را بدست می گرفتند دور داده بودند. از شومی ویرانگری و کشتار بی دریغ راه انداخته شده توسط حکمتیار و اعوان و انصارش بود که تعداد زیاد افغان ها از آمدن طالبان و وعده های شان مبنی بر اعاده نظم و قانون و لگام زدن بر جنگ سالاران استقبال کردند.

حکمتیار به همان اندازه نیز بخاطر عادت صف بدل کردن خود شهرت دارد. وی در مقطع های زمانی مختلف در پهلوی و سپس در برابر تقریباً همه جناح های درگیر در جنگ قرار گرفته است. پس از ۱۱ سپتمبر وی در کنار اسامه بن لادن قرار گرفت و به فراریان القاعده در پایگاه جدیدی که الی زمان اخراجش از ایران در آن کشور تأسیس کرده بود پناه داد. وی همچنین می لافید که به بن لادن و دار و دسته اش کمک کرده است تا از راه کوه های توره بوره از افغانستان به پاکستان فرار نمایند. حکمتیار در سال ۲۰۰۲ به افغانستان برگشت تا با امریکایی ها و حکومت کرزی بجنگد. سی آی ای کوشش کرد تا او را با راکتی که از هواپیمای بی خلبان «پریدیتور» آتش شده بود بکشد اما تیر به خطا رفت. از آن زمان به بعد حزب اسلامی حکمتیار با دو گروه بندی متبارز ضد حکومت افغانستان یعنی طالبان ملا محمد عمر که زمانی بخونش تشنه بودند و شبکه مولوی حقانی در جنوب شرق افغانستان در تبنانی نزدیک قرار دارد. حکومت ایالات متحده امریکا در سال ۲۰۰۳ حکمتیار را یک تروریست گزیده جهانی نامید. حکمتیار مسئولیت یک سلسله حملات مرگبار بشمول یکبار تلاش ترور کرزی را بعهده گرفت که در سال ۲۰۰۸ انجام شد و طی آن جنگجویانش راکتی بر یک رسم گذشت نظامی پرتاب کردند و سه نفر بشمول یک عضو پارلمان و یک پسر ۱۰ ساله را به قتل رساندند. نیروهای حکمتیار بخش مسلط شورشیان در چندین ولایت شرقی و مرکزی افغانستان را تشکیل می دهند. جناح قانونی حزب اسلامی در پارلمان ۱۹ چوکی دارد و یکی از رهبران آن وزیر اقتصاد^۵ در کابینه جدید آقای کرزی می باشد. پشتیبانان حکمتیار در پارلمان تلاش دارند تا او را وارد حکومت سازند.

حکمتیار یگانه جنگ سالاری نیست که راه خود را دوباره بسوی جایگاه قدرت می گشاید. فرمانده ازبک عبدالرشید دوستم جنگ افروز بدنام دیگر است که سال گذشته از تبعید در ترکیه به افغانستان برگشت تا رأی ازبک

^۴ منظور سیدال سخندان سخنگو و فرد برجسته جریان سیاسی شعله جاوید است - برگرداننده
^۵ منظور عبدالهادی ارغندیوال رئیس حزب اسلامی ثبت شده براساس قوانین دولت افغانستان می باشد - برگرداننده

ها را در انتخابات ریاست جمهوری برای کرزی تأمین کند و در بدل این خدمت به حیث رئیس ارکان نظامی کرزی (لوی درستیز) تقرر یافت. سوانح دوستم خیلی شبیه به سوانح حکمتیار است. وی که به درنده خوبی و ددمنشی شهرت دارد در محاصره شهر کابل در سال ۱۹۹۴ که منجر به برآمدن دود از دمار شهر و اهالی آن گردید همدست حکمتیار بود. سربازان وی در سال ۲۰۰۱ پس از سرنگونی طالبان در حدود ۲۰۰۰ جنگجوی طالب را با انداختن آنها در کانتینرهای فلزی مال التجاره و خفه ساختن آنها از اثر کمبود هوا قتل عام نمود. به گفته احمد رشید ژورنالیست و نویسنده پاکستانی «این وحشتناکترین و وحشیانه ترین تخطی از حقوق بشر در طول جنگ افغانستان بوده است.»

آنچنان که در کتاب «نزول به هبأ: ایالات متحده و ناکامی ملت سازی در پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی» (سال ۲۰۰۸) توصیف گردیده است، دوستم یکی از بهره مندان عمده «ستراتژی اتکا بر جنگ سالاران» ایالات متحده امریکاست که پس از حوادث ۱۱ سپتمبر از طرف آن کشور اتخاذ گردید. سی آی ای همکاری فرماندهانی چون دوستم را در برابر طالبان و القاعده خرید و آنها را در لیست تنخواه خواران خود شامل ساخت. در ابتدا مبلغ ۱۰ میلیون دالر به قسم بیعانه به اشخاصی چون دوستم و جهادی کارکشته دیگر عبدالرسول سیاف که متحد بن لادن و مربی برجسته دهشت افکنان بود پرداخته شد. سیاف از سهمی که از پول سی آی ای به وی رسید بخش بیشتر ولسوالی پغمان در غرب کابل را خریداری نمود، جایی که به گفته احمد رشید پایگاه گرفته است. امروز سیاف عضو پارلمان افغانستان است و در آنجا پایین و بالا می دود تا قوانینی را به تصویب برساند که از کشانیده شدن رهبران مجاهدین چون خودش به محاکمه بخاطر جنایات جنگی جلوگیری کند.

«ستراتژی اتکا بر جنگ سالاران» ایالات متحده بگونه عمیقی ثبات را برهم زده افغانستان را در گودال تفرقه های قومی و ملیتی فروتر برد و به گفته احمد رشید حکومت کرزی در کابل را «ناتوان و بی ارزش و غیر مطرح ساخت». این کار سنگ نومییدی را به سینه افغانان عادی زد. «امریکاییان آنها را از پتیاره طالبان رهانیدند ولی پتیاره دیگری را در هیئت جنگ سالاران بر آنها نازل کردند.» برنامه ای که برای گسترش ساحه اختیار و صلاحیت نیروهای امداد صلح بین المللی اعتبار گرفته از تصمیم ملل متحد (آیساف) به ولایات جهت لگام زدن بر جنگ سالاران در سال ۲۰۰۲ روی دست گرفته شد از سوی ایالات متحده سد گردید. واشنگتن ترجیح می داد بر عوامل خریداری شده خود اتکا کند. احمد رشید می نویسد: «ستراتژی بیان ناشده ایالات متحده آن بود تا کرزی را در محافظت نیروهای خارجی به شکل خنثی و بیکاره در پایتخت نگهدارد و برای نگهداری "صلح امریکایی" در خارج پایتخت بر جنگ سالاران اتکا نماید.» وی می گوید که مشروعیت بخشیدن به قدرت و صلاحیت جنگ سالاران مرگبارترین اشتباه ایالات متحده بود و «به طالبان دقیقاً همان بهانه تبلیغاتی را داد که می خواستند تا دوباره خود را متشکل و بسیج سازند.»

مسئله ای که اکنون باید با آن گلویز شد اینست که آیا جنگ سالار می تواند طینت خبیث خود را تغییر دهد؟ حکمتیار که در یک آن پوست بدل می کند می خواهد افغانان باور کنند که وی قادرست بره بی آزار گردد. یک نماینده این فرمانده بدنام پس از ملاقات با ریچارد هالبروک نماینده ویژه ایالات متحده برای افغانستان و پاکستان به گزارشگر ایشیا تایمز اظهار داشت «موضع [حکمتیار] آوردن صلح به افغانستان است.» به اساس گزارشات بحث روی چوکی های ولایت و معینیت وزارتخانه ها در ازای سلاح بزمین گذاشتن حکمتیار و جنگجویان مربوط به وی شامل این مذاکرات بود. دوهفته قبل حکمتیار در حالیکه با نرمی از ضرورت صلح سخن می گفت در ویدیوی جدیدی با لباس ملکی و بدون کلاشنیکوف همیشگی خود ظاهر شد. مایکل فلین رئیس بخش استخبارات نیروهای بین المللی تحت رهبری ایالات متحده از «آمادگی گزارش شده حکمتیار برای آشتی با حکومت افغانستان» استقبال کرد. یکی از مبصرین حکمتیار را بمثابه یگانه فرد قدرتمند پشتون که از لکه تباری با القاعده مبراست و احتمالاً قادر است به حساب طالبان برسد شادباش گفت و «بزرگترین امید همه جوانب برای اعاده صلح» خواند.

خدا بیامرزد افغانستان را اگر بزرگترین امید صلح آن حکمتیار باشد.

سلی نیبر گزارشگر ارشد برای روزنامه دی آسترلین، گزارشگر برنامه «از چار گوشه» اداره سخن پراگنی آسترلین (ABC) و نویسنده کتاب «مادر محمد» می باشد.